



مسئولیت مدنی و کیفری کادر درمانی در بیمارستان

مؤلفان :

میلاذ حسین تبار

الهه کریمی

ویراستار

سونیا چقا میرزا

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

سرشناسه	: حسین تبار، میلاد، ۱۳۶۹ -
عنوان قراردادی	: ایران، قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: مسئولیت مدنی و کیفری کادر درمانی در بیمارستان / مولفان میلاد حسین تبار، الهه کرمی؛ ویراستار سونیا چقامیرزا.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۳۰-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: پزشکیان -- ایران -- خطای شغلی
موضوع	: -- Iran -- MalpracticePhysicians
موضوع	: مسوولیت (حقوق) -- ایران
موضوع	: Liability (Law) -- Iran
موضوع	: پزشکی -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: Medical laws and legislation -- Iran
موضوع	: بیمارستان‌ها -- کارکنان پزشکی
موضوع	: Hospitals -- Medical staff
موضوع	: پرستاران -- خطای شغلی
موضوع	: Nurses -- Malpractice
شناسه افزوده	: کرمی، الهه، ۱۳۶۱ -
شناسه افزوده	: چقامیرزا، سونیا، ۱۳۶۲ - ویراستار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵/۳۱۰-KMH /ص۵م۵
رده بندی دیویی	: ۵۵۰۴۱۲۱/۳۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۴۲۶۴

انتشارات قانون یار

مسئولیت مدنی و کیفری کادر درمانی در بیمارستان

مولفان: میلاد حسین تبار-الهه کرمی

ویراستار: سونیا چقامیرزا

ناشر: انتشارات قانون یار

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت نسخه الکترونیکی: ۸۰۰۰ تومان

قیمت نسخه چاپی: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۳۰-۵

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

فصل اول.....	۷
شناخت و گستره انواع مسئولیت.....	۷
فصل دوم.....	۳۳
بررسی مسئولیت مدنی و کیفری پزشک.....	۳۳
فصل سوم.....	۹۹
شمایی از مسئولیت مدنی و کیفری پرستار.....	۹۹
فصل چهارم.....	۱۲۳
حدود مسئولیت مدنی بیمارستان در برابر بیمار.....	۱۲۳
منابع و مآخذ.....	۱۷۱

فصل اول

شناخت و گستره انواع مسئولیت

بخش اول: تعریف مسئولیت و انواع آن:

مسئولیت عبارتست از وضعیت و شرایطی است که شخص را مطابق قانون در مقابل فعل یا ترک فعل پاسخگو قرار می دهد این پاسخگویی ممکن است حاصل فعل یا ترک فعل ناشی از نقض قوانین موضوعه کیفری یا تخلف از قرارداد (اعم از مکتوب یا غیرمکتوب) و یا تخطی از موازین و مقررات حرفه ای و صنفی باشد. پزشک ممکن است بلحاظ رفتار معینی) و یا تخطی از موازین و مقررات حرفه ای و صنفی باشد. پزشک ممکن است بلحاظ رفتار معینی تنها مواجه با یکی از انواع مسئولیتها (کیفری- مدنی- انتظامی) شود و یا تا جایی که همان رفتار او در معرض جمیع این مسئولیتها قرار دهد. بطور مثال پزشکی که در صدور جواز دفن رعایت دستورالعمل ها و ترتیبات محینه را نمی کند بدون شک از جهت تخلف از آن نظامات تنها از نظر انتظامی مسئول است اما پزشکی که بی توجه به مصوبه ۵۵/۱۰/۶ هیأت مدیره نظام پزشکی به جراحی مهمی نظیر عمل جراحی که مستلزم بیهوشی عمومی باشد در مطب خود مبادرت می کند در صورت حصول هرگونه ضایعه ای می تواند موجب تعقیب کیفری تحت عنوان ایراد صدمه غیر عمدی در اثر بی مبالاتی و مسئولیت مدنی از حیث ایجاد ضرر و زیان مادی (دارو و درمان ...) علاوه بر دیه و مسئولیت انتظامی از جهت تخلف و زیر پا گذاشتن نظامات مربوط به ممنوعیت این نوع اعمال در مطب قرار گیرد. نظر به اینکه تنها مسئله مسئولیت کیفری پزشک در حوصله این مقاله است توجه به این مطلب ضرورت دارد که جز اشخاصی که بلحاظ وضع دماغی و روحی و اهلیت خود از مسئولیت کیفری مبری هستند مانند اطفال و یا اشخاصی که در حال ارتکاب جرم به جنون مبتلا دارند و نیز اشخاصی که تحت اجبار یا اکراه (بنحوی که عادتاً تحمل آن ممکن نمی باشد) و یا بواسطه اضطراب مرتکب جرم می شوند یا اعمالی که واجد مجازات می باشند ولی ارتکاب آنها تحت شرایط معنی جرم نیست و مرتکبین آنها غیرقابل تعقیب و مجازات می باشند (مواد ۴۹ و بعد قانون مجازات اسلامی) و یا در مواردی که تعقیب امر جزایی و حتی اجرای مجازاتی طبق قانون شروع شده می تواند موقوف شود (ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه عمومی و انقلاب) اصولاً هر شخصی در قبال رفتار خود مسئول است.

موارد زوال مسئولیت کیفری و معافیت از مجازات و مصونیتها در قوانین پیش بینی شده است چه همانطوری که علی الاصول افراد ملت از هر قوم و قبیله ای از همه حقوق انسانی- سیاسی- اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی بطور یکسان از حمایت حقوقی برخوردارند و دولت موظف شده است حقوق همه جانبه افراد و امنیت قضایی عادلانه را برای همه و بطور مساوی تأمین نماید (اصول ۱۹-۲۰ بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی) این تساوی حکم می کند هیچ کس جز در مواردی که قانون تعیین کرده است از تعقیب مصون نباشد و مزیتی بر دیگران نداشته باشد. به حکم همین اصل تساوی است که حتی مقام رهبری به عنوان بالاترین مقام نظام در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است (ذیل اصل ۱۰۷ قانون اساسی) و رئیس جمهوری که پس از مقام رهبری عالیتین مقام رسمی کشور است (اصل ۱۱۳) از تعقیب مصون نبوده و در صورت نقض قوانین کیفری بدون هیچگونه امتیازی برحسب نوع جرایم ارتكابی می توانند در دادگاه های عمومی، نظامی، انقلاب مورد محاکمه قرار گیرند. با این همه به لحاظ بعضی منافع و مصالح سیاسی و اجتماعی و جایگاه ویژه بعضی از مشاغل و به منظور تأمین استقلال بعضی طبقات بطور استثنایی و مقطعی و با شرایطی اجازه داده شده است تعقیب کیفری بعضی از اشخاص به رعایت تشریفات از جمله صدور حکم تعلیق و سلب مصونیت قضایی آنها به دادگاه انتظامی موکول گردد (قانون تشکیلات عدلیه) یا نمایندگان مجلس که در مقام ایفای وظایف نمایندگی و اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزاد می باشند نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار می کنند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب و یا توقیف کرد (اصل ۸۶ قانون اساسی و ماده ۷۵ قانون آئین نامه داخلی مجلس مصوب ۷۹) همچنان که نمایندگان سیاسی مقیم در کشور خارجی از تمام مصونیتها و مزایا برخوردارند (قانون مربوط به قرار داد وین درباره روابط سیاسی ۱۳۴۴) و یا وکلای دادگستری که در مقام دفاع از موکلین خود از مصونیتهای قضات باید استفاده نمایند. (تبصره سوم ماده واحده ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

در اینجا ممکن است سوال شود جایگاه معافیت و مصونیت پزشک و صاحبان دیگر حرف پزشکی کجاست. پاسخ این خواهد بود معافیت پزشک از تعقیب کیفری همین است که

چنانچه در اقدامات طبی و درمانی رفتارش موافق موازین فنی و ضوابط علمی باشد صدماتی که در رهگذر این اقدامات به بیمار وارد می‌کند و در تمامیت جسمانی او تصرف می‌کند غیرقابل تعقیب است در حالیکه انجام این اقدامات از ناحیه غیر پزشک جرم و متضمن مسئولیت کیفری و از مصادیق انواع قتل یا ایراد صدمه خواهد بود یا در مواردی که پزشک با رضایت بیمار یا اولیاء یا سرپرستان قانونی آنها مبادرت به عمل جراحی یا طبی مشروعی می‌کند و این اقدام او با ملاحظه اصول علمی و رعایت نظامات دولتی صورت می‌گیرد که در این صورت قابل تعقیب و مجازات نمی‌باشد (بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی) یا مواردی که پزشک قبل از شروع به درمان یا اعمال جراحی از بیمار یا اولیاء او تحصیل براءت می‌کند (ماده ۶۰ همان قانون) به عبارتی به پزشک اجازه داده شده است با توجه به تخصص و صلاحیت بتواند در مقام درمان بیمار را در معرض آسیب قرار دهد در حالیکه این امر حتی با رضایت بیمار توسط اشخاص دیگر جرم و مستوجب مسئولیت است.

بررسی انواع مسئولیت:

مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد:

عبارت است از تعهدی که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی برای اشخاص حاصل می‌شود و مسئولیت خارج از قرارداد، عبارت است از این که قرارداد شخصی وجود ندارد در این مورد یک طرف به علت فعل یا ترک فعل به عمد یا به خطا ضرر و زیانی به دیگری می‌زند.

لازمه عدم انجام تعهد در قرارداد طلب خسارت از ناحیه خسارت دیده است و متعهد مسئولیت قراردادی دارد. و عنوان خسارت مذکور نیز عدم انجام تعهد یا تاخیر در انجام تعهد است. در مسئولیت خارج از قرارداد شخص از متعهدهای عمومی و قانونی سرپیچی کرده است و ضرری زده است.

مسئولیت اخلاقی و حقوقی:

مسئولیت اخلاقی عبارت است از مسئولیتی که قانونگذار متعرض آن نشده و تنها ضمانت اجرای درونی و وجدانی دارد فقط وجهه مسئولیت در برابر خدا یا خود انسان یا وجدان اوست

و ضمانت اجرای حقوقی ندارد. مثلاً کسی که شاهد غرق شدن شناگری است با وجود تمکن از کمک، کمک نمی کند در این جا فقط وجدانش شرمسار است و مسئولیت قانونی ندارد در مسئولیت قانونی، انجام فعل و ورود ضرر، شرط تحقق مسئولیت است برخلاف مسئولیت اخلاقی مسئولیت حقوقی آن است که مواردی در قانون احصا شده و ضمانت اجرای قانونی (کیفری و مدنی) دارد در کیفری و مدنی وجهه مشترک آن نقض قرارداد است و می شود از دادگاه مطالبه کرد.

مسئولیت اخلاقی

اخلاق که از آن به حکمت عملی تعبیر می شود مجموعه ای از بایدها و نبایدهاست، آن چه مربوط به ارزش است باید باشد و آن چه در مقابل آن قرار دارد، نباید باشد. اخلاق پایه های فلسفی اصول قانون است و این دو (قانون و اخلاق) با هم وسایل تنظیم روابط افراد با یکدیگرند و چگونگی رفتار آن ها با هم را ساماندهی می کنند. بر این اساس، در بعد مسئولیت هم جنبه ی اخلاقی و هم قانونی آن مطرح می شود. چرا که مسئول بودن عملی حقیقتاً اخلاقی است.

مسئولیت لازمه داشتن اختیار است. انسان آزاد و عاقل از پیامد کارهای خویش آگاه است و در قبال آن مسئول می باشد. از نظر اسلام انسان آزاد و مختار آفریده شده است و حق انتخاب دارد و به واسطه ی اختیار مسئولیت دارد و اگر در دنیا مطابق احکام الهی عمل نماید به فلاح و رستگاری می رسد. از آن جا که دین اسلام یک مکتب غایت گرا و وظیفه گراست و غایت نهایی در کارهای اخلاقی رستگاری و قرب الهی است و در چارچوب فوق اخلاق پزشکی قرار دارد، بنابراین پزشکان و پرستاران مکلف به رعایت تقوی و مسئولیت در قبال خود، خدا و جامعه هستند. این متغیرها می تواند بهترین ضمانت اجرایی اصول و موازین اخلاقی در حرفه ی پزشکی باشد.

با وجود ارتباط نزدیک اخلاق و حقوق در این زمینه، در نظام کنونی بین مسئولیت اخلاقی و مدنی تفاوت وجود دارد که شامل موارد زیر می باشد:

- ۱- مسئولیت اخلاقی، به معنی شرمساری وجدان و احساس گناه است و بیش تر جنبه ی شخصی دارد. از داوری های عمومی به دشواری می توان قاعده ی ثابتی به دست آورد و بر طبق آن از نظر اخلاقی کسی را محکوم و مسئول شناخت. مفهوم این مسئولیت نیز هیچ گاه از تقصیر جدا نیست. باید شخصی به کار نکوهیده دست زند تا قابل سرزنش باشد. وانگهی، خدا و وجدان شخص هیچ گاه کاری را که با حسن نیت انجام داده است مذمت نمی کند و ارزش هر عمل را بر مبنای نیت مرتکب معین می سازد (انما الاعمال بالنیات). ولی، مسئولیت مدنی چهره ی نوعی و اجتماعی می یابد و معیارهای کلی پیدا می کند لذا تقصیر نیز از مفهوم اخلاقی خود فاصله می گیرد. مثلاً راه یافتن فکر ناشایسته در مغز انسان از نظر اخلاقی ناپسند است. برعکس در جهان حقوق تا فکری جنبه ی بیرونی نیابد و در انجام دادن یا خودداری از کاری تجسم پیدا نکند نه خطایی محقق می شود و نه مسئولیتی به بار می آورد.
- ۲- در مسئولیت مدنی ورود ضرر شرط تحقق و از ارکان مسئولیت است. لیکن در پیشگاه اخلاق همین که وجدان متأثر و شرمسار شود یا توده ی مردم کاری را ناشایسته ببینند، مسئولیت به وجود می آید، هرچند که زیانی به دیگری نرسیده باشد.
- ۳- از نظر ضمانت اجرا نیز، این دو نوع مسئولیت با هم تفاوت کلی دارد: در مسئولیت مدنی، زیان دیده می تواند جبران آن را از دادگاه بخواهد و حمایت دولت را جلب کند؛ ولی مسئولیت اخلاقی را نمی توان در دادگاه طرح کرد و داوری درباره ی آن به دولت و مأموران آن سپرده نشده است.
- ۴- از نظر قلمرو نیز گاه احکام حقوق و اخلاق متفاوت است، جایی که از خطای ناچیز زیانی بزرگ به بار می آید حقوق در مسئول شناختن مرتکب تردید نمی کند، در حالی که اخلاق آن را عادلانه نمی بیند و تناسب بین درجه ی تقصیر و میزان مسئولیت را لازم می داند. مسئولیت از نظر اصطلاح حقوقی (مدنی) عبارت است از تعهد قانونی شخص به رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است، خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او شده باشد؛ در (فقه) برای همین معنی لفظ ضمان را به کار برده اند و معنی آن هر نوع مسئولیت اعم از مسئولیت مالی و مسئولیت کیفری است. مسئولیت مدنی عبارت است از

مسئولیت در مقام خسارتی که شخص (یا کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است) یا اشیاء تحت حراست وی به دیگری وارد می کند و هم چنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد. در این راستا ماده ی ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ اشعار می دارد: هر کسی بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه ی بی احتیاطی به جان یا سلامت یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد. از نظر حقوقی مسئول به کسی می گویند که خطا کار است و باید مکافات گناهی را که مرتکب شده است ببیند.

جنبه ی دیگر مسئولیت، کیفری است که به موجب ماده ی ۲ قانون مجازات اسلامی هرفعل و ترک فعلی که در قانون بر آن مجازات تعیین شده جرم محسوب می شود، چون مجازات نوعی واکنش جامعه است در مقابل اشخاص که قواعد جامعه و نظم آن را رعایت نمی کنند. پس برای کسی که مجازات می شود مجازات، مسئولیت کیفری در قبال نقض مقررات اجتماعی است. در این مورد می توان به افشاء اسرار بیمار اشاره کرد که مطابق ماده ی ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه ی کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه ی خود محرم اسرار می شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس یا به یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می شوند.

تعریف مسئولیت مدنی

کتاب راهنمای قانون مسئولیت مدنی اثر ویلیام پروسر، در بخش معروف به "تعهدات" مسئولیت مدنی را به عنوان اصطلاح بکار رفته برای یک دسته گوناگون و کم و بیش غیر مرتبط از خطاهای مدنی غیر از نقض قرارداد تعریف کرده است که دادگاه برای آن دادخواهی در قالب دعوای خسارت را فراهم خواهد ساخت.

علاوه بر خسارات، در طیف محدودی از موارد، قانون مسئولیت مدنی رفع مزاحمت و خسارت بدون مراجعه به مراجع قانونی، برای مثال، استفاده از زور معقول و متناسب برای دفع

متجاوز را جایز می شمارد. علاوه بر آن، در مورد یک خطای مستمر، یا حتی جایی که صرفاً بیم تهدید آسیب و زیان وجود دارد، محاکم گاهی دستور جلوگیری از ادامه یا تهدید آسیب و زیان را صادر میکنند.

اهداف و مقاصد مسئولیت مدنی

قانون مسئولیت مدنی تعیین میکند که آیا ضرر و زبانی را که برای یک شخص اتفاق می افتد باید یا نباید بر عهده شخص دیگری گذاشت. برخی از عواقب و نتایج صدمه یا مرگ، از قبیل هزینه های پزشکی متحمل شده، را می توان بوسیله پرداخت خسارت جبران نمود. خسارت را همچنین ممکن است، به علت فقدان امکانات بهتر برای عواقب و نتایج غیر مالی از قبیل درد پرداخت نمود.

در مقاله "اهداف قانون مسئولیت مدنی" (۱۹۵۱)، گلانوئل ویلیامز چهار مبنای احتمالی را برای مسئولیت های مدنی مختلف در نظر گرفته است: تسکین و تسلی، عدالت، بازدارندگی و جبران خسارت. قانون در صدد است بر اهداف مختلف در ارتباط با مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار عمدی و اختلاف آن با اهداف مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار غفلت یا مسئولیت مدنی حوادث (مسئولیت محض) تأکید کند. پس از انتشار مقاله او مکتب تحلیلگران اقتصادی حقوق رشد کرد چرا که بر تشویق و بازدارندگی تأکید داشتند.

مسئولیت کیفری: مسئولیت کیفری از شرایط اوصافی بحث می کند که امکان منطقی تحمیل مجازات را بر مرتکب جرم فراهم می آورد گر چه بی تردید تنها در فرض وقوع جرم سخن از تحمیل مجازات صحیح و منطقی است اما دیری است که صاحب نظران جزایی بر این باورند که مسئولیت کیفری در برابر جرم در گروهی وصف خاص و مرهون حالت ویژه ای است نزد مرتکب که در غیاب آن تحمیل کیفر بر او منطقی و عقلاً ناممکن می نماید عنایت به همین وصف خاص که از آن به (اهلیت جزایی) تعبیر می کند در مقام جوهر و بن مایه مسئولیت کیفری است سبب شده تا نهاد مسئولیت کیفری موجودیتی متمایز از دو نهاد در جرم و مجازات یافته و مبحثی جداگانه و دامنه دار را در بخش حقوق جزای عمومی خود اختصاص داده «جرم و مجازات» دو نهاد مهم جزایی اند که به دو شکل متفاوت با مرتکب جرم ارتباط

پیدا می کنند یکی از مرتکب «صادر» و دیگری به مرتکب «تحمیل» می گردد حقوق جزا به تعیین و تحویل شرایط و اوصافی در مرتکب می پردازد که در پرتو آنها از یک سو «صدور جرم» از مرتکب و از سوی دیگر «تحمیل مجازات» بر وی امکان پذیر می شود که اینکه شرایط لازم برای «صدور جرم» با شرایط ضروری برای «تحمیل مجازات» بر هم انطباق کامل ندارد.

مسئولیت کیفری و مدنی:

مسئولیت کیفری عبارت است از ارتکاب جرمی که در قانون تصریح شده است. در این نوع مسئولیت مرتکب، باید اراده و قصد مسئولیت داشته باشد. یعنی رابطه علیت بین عمل ارتكابی و جرم و خسارت وجود داشته باشد تا بتوان عمل را به او منتسب کرد. شخص مسئول، علاوه بر مجازات قانونی ملزم به جبران خسارت هم می باشد. مسئولیت مدنی عبارت است از تعهد و الزام شخص به جبران زیان وارده به دیگری چه زیان و اراده در اثر عمل خود شخص یا اشخاص وابسته به او یا ناشی و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. هرگاه شخص مسئول جبران خسارتی باشد می گوئیم مسئولیت مدنی دارد.

تفاوت مسئولیت مدنی و کیفری:

- ۱- در کیفری مجازات مجرم جهت جلوگیری از بی نظمی و دفاع از جامعه و اصلاح مجرم است و در مدنی جبران خسارت شخص است.
- ۲- در کیفری مجازات از قبیل دیات- قصاص- تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده است اما در مدنی فاعل ضرر، ملتزم به جبران خسارت است.
- ۳- در کیفری وجود سوء نیت یا قصد مجرمانه الزامی است در مدنی اثبات آن لازم است.
- ۴- منبع مسئولیت کیفری، قانون است اما در مدنی هرکسی برخلاف حق یا بر اثر بی مبالاتی خسارت بزند باید جبران کند.

مسئولیت انتظامی یا حرفه ای

مسئولیتی که اشخاصی براساس قراردادهای حرفه ای در انجمن ها و اتحادیه ها و سازمان های هم فکر و صنف خویش دارند.

تخلف از این قوانین را تخلف انتظامی و اداری گویند مثل سازمان نظام پزشکی که بر تخلفات پزشکان رسیدگی می کند.

با توجه به تعاریف و تقسیم بندی های ذکر شده پزشکان دارای هر ۴ نوع مسئولیت می باشند زیرا ایشان به عنوان فردی از افراد جامعه دارای وظیفه و مسئولیت سنگین اجتماعی است و نمی تواند مثل یک فرد عادی عمل کند درجایی که جامعه یک فرد عادی را در مواقعی مورد سرزنش قرار می دهد و او را در مقابل خود یا خدا و جامعه، مسئول می داند؛ پزشک نمی تواند بیماری را که در حال مرگ است و یا صدمه دیده به حال خود رها کند علاوه بر آن عده زیادی معتقدند مسئولیت رنگ اخلاقی دارد در ثانی همه مسئولیت های مدنی و قواعد راجع به آن بر مبنای قواعد اخلاقی و مذهبی پایه گذاری شده است. از طرفی دیگر ایراد جرح یا هر قصد و انگیزه ای و یا سوء رفتار حرفه ای و تخلف انتظامی یک پزشک، و یا قصد او، و کوتاهی در انجام وظیفه و عمل و یا ترک معالجه و درمان، تخلف از اذن بیمار، فریب کاری، سوء استفاده نامشروع از حرفه پزشکی، ارتباط غیرمتعارف و ناشایند با بیمار، و سوء استفاده از تخصص حرفه ای علاوه بر وجود آوردن مسئولیت اخلاقی، مسئولیت مدنی و کیفری را هم به همراه دارد که در هر کدام بنا بر مورد خویش طبق ضوابط قانونی و حرفه ای و صنفی قابل تعقیب است زیرا براساس شرع و قانون هیچ کس را نمی شود به خاطر شغل و حرفه اش مصون از تعقیب دانست و نمی شود مثلاً براساس قاعده احسان که کار پزشک را از روی احسان شمرده و مصون از مسئولیت دانست. زیرا براساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مواد قانونی دیگر و قاعده لاضرر باید کلیه خسارت های وارده جبران شود.

در خصوص مسئولیت کیفری هم هرگاه تخلف از قانون و یا ضعف و یا تشکیلات پزشکی صورت گیرد (موارد را قانون تشکیلات پزشکی احصاء کرده) مسئولیت کیفری به وجود می آید براساس قوانین جزایی هیچ عملی را نمی شود جرم شمرد مگر در قانون آن عمل جرم شمرده شده باشد.

در بحث مسئولیت کیفری مجرم علاوه بر تحمل مجازات قانونی باید درصدد جبران خسارت وارده هم باشد. با توجه به این که اخذ براءت مورد توجه قانونگذار بوده و نظر مشهور فقها هم

بر آن استوار است اما به طور مطلق رافع مسئولیت کیفری و مدنی نیست زیرا باید ضوابط و مقررات قانونی و صنفی و حرفه ای هم مراعات شود و احتیاط لازم صورت گیرد پس با این وصف اذن بیمار و تحصیل براءت مشروط بر عدم تقصیر پزشک و اعمال تمامی مقررات و دانش های پزشکی است و الا مسئول می باشد

بخش دوم: سیر تاریخی مفهوم مسئولیت مدنی

پل والرئ نویسنده و شاعر فرانسوی می گوید: «تقصیر سرانجام باید بی کیفر نماند. نتیجه ناپسند و ناگوار، نشانه تقصیر است. مسئولیت^۱ را باید چنین تعریف کرد: «فرضی که به موجب آن هر فردی نتایج شناخته اعمال خود را خواستار است.» زبان پل والرئ زبان شعر است و از نظر حقوقی این سخن او را می توان چنین تفسیر کرد: هر کس که عملی می کند قصد انجام دادن آن عمل و نتایج قابل پیش بینی ناشی از آن را داشته است و باید مسئول این عمل و نتایج آن باشد ولی این مسئولیت ناشی از فرض است. بیان والرئ موهم این معنی است که این تعریف می تواند با واقعیتی ثابت منطبق نباشد، چه مسئولیت مفهومی حقوقی است و از نظر جامعه شناسی با تحول جامعه تغییر می کند.^۲

تا آنجا که تاریخ فرضیه های حقوقی نشان می دهد نخستین تجلی فرضیه مسئولیت به صورت وظیفه است. بدین شرح که کسی که خود او یا اشیاء و افراد واقع در اختیار او به دیگری زیان رسانده است موظف است که به نوعی آتش خشم و انتقام زیان دیده را فرو نشاند. کسی که به دیگری زبانی می رساند یا با حمایت از خویشاوند و طفل و حیوانی اهلی که به دیگری زیان رسانده است، مانع گرفتن انتقام از آنها می شود یا باید دیه این جرائم را بپردازد یا برای مقابله با خشم و انتقام زیان دیده آماده شود، چون مصلحت جامعه در آرامش و نظم یعنی امنیت عمومی در ابتدایی ترین معنی آن، با تنظیم روابط خصمانه و سرانجام با آشتی دادن دو خصم بهتر و موثر تر تامین می شود. پرداختن دیه بیشتر به صورت وظیفه جلوه

^۱ Liability , respansibilitu

^۲ بادینی حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، ص ۶۸.

می کند تا به صورت امتیاز . هنگامی که کسی خود او یا اشیایی که در اختیار اوست به دیگری زیان رسانده است ، این پرداختن دیه و وظیفه ای است که جانشین وظیفه تسلیم طفل مجرم یا حیوان زیان کار به زیان دیده می شود . مرحله بعد از این سنجش دیه با میزان خسارت و آسیب است نه با میزان کینه توزی و قدرت و انتقام زیان دیده . در مرحله نهایی دیه به صورت ترمیم خسارت در می آید . سیر این مراحل تدریجی است و چنان با یکدیگر آمیخته اند که می توان ترمیم خسارت را کیفری دانست که دامن گیر مجرم می شود ولی نتیجه این است که دیه ای را که برای ممانعت از کینه توزی و انتقام می دادند جای خود را به ترمیم خسارت می دهد . بدین طریق دریافت مبلغی نقدینه که کیفر جرم است از نظر تاریخی آغاز ظهور مسئولیت می شود .^۱

در جوامع ابتدایی ، اگر کسی همسایه ای را بیازارد یا کسانی که در پناه او هستند این همسایه را بیازارند ، همسایه در گرفتن انتقام تنها نیست . با این کار خشم خدایان برافروخته می شود و این خشم می تواند امنیت جامعه را به خطر اندازد . چه هیچ دور نیست که خدایان خشمگین با رعد و برق بی محابا نیک و بد را در جامعه ای که گناهکاران و کفار را پناه داده است بسوزاند . بر اثر همین اعتقاد اگر کسی تعهدی می کرد ، خدایان را به گواهی می گرفت و جامعه که از نظر سیاسی سازمان یافته بود و نظارت در مسائل اجتماعی را روحانیان به عهده گرفته بودند ، ناگزیر بود که تامینی حقوقی برای متعهد له فراهم آورد تا مبادا وی از خدایان استمداد کند و امنیت جامعه را به خطر اندازد و از سوی دیگر آن که وعده ای می دهد ، کسانی را برای شهادت دعوت می کند و وفا نکردن به وعده اهانتی به این گواهان است ، چه این دعوت کاری بیهوده می شود . صلح و امنیت در اینجا نیز به خطر می افتد . متعهدله ممکن است دوستان و همشهریان خود را به یاری بخواهد و با متعهد به جنگ پردازد و برای ممانعت از این کار جامعه باید به فکر چاره ای باشد ، مثال متداول این کار تعهدی بود که بدین طریق برای تادیبه دیه ای به میان می آمد که ناشی از جرح و قتل بود و جزئیات این دیه در تعرفه

^۱ جلیلی خلیل، حقوق مسئولیت مدنی، ص ۷۷.

عادی دیه که قانون اصلی این نوع جوامع است وجود نداشت. مثال متداول دیگر هنگامی بود که کسی مال دیگری را موقتاً برای ایفای کاری در اختیار گرفته و وعده داده بود که دوباره آن را به مالک بازگرداند. این نوع معامله را در جامعه ابتدایی «وام» می نامیدند. چه قبل از تاریخ پول مسکوک، میان وام گرفتن اسبی برای رفتن به شهر همسایه یا وام گرفتن ده گوسفند برای تادیه دیه تفاوتی احساس نمی شد.^۱ بدین طریق مرحله دیگر مسئولیت آغاز می شود و آن وعده پس دادن نقدینه ای معین یا شیء معین به طریقی است که اگر به وعده وفا نشود امنیت عمومی به خطر می افتد. در حقوق روم منشاء آنچه در اصطلاح حق ذمی و حق عینی می نامند، حق پس گرفتن شیء یا مبلغی پول به همین طریق بود. به عبارتی حقوقی مفهوم اصلی مسئولیت، ناشی از وظیفه تادیه دیه و به طریقی وظیفه اجتناب از خشم شخصیتی معتبر یا جامعه ای بود که زبانی دیده و خواهان انتقام بود. حقوق یونان و روم زبانی را که به شخصیتی محترم و مصون از تعرض رسیده است اهانت می نامد. اهانت به همسایه با آزردن وی، یا کسان وی، اهانت به خدایان با شکستن کفر آمیز پیمانی که خود شاهد آن بوده اند، اهانت به اهالی شهر با وفا نکردن به تعهدی که با حضور آنان ایجاد شده است، این اهانت امنیت و صلح جامعه را تهدید می کند و جامعه باید به فکر چاره آن باشد.^۲

حقوقدانان در این مرحله در صدد بر می آیند که بر مبنای قوانینی ثابت فرضیه های حقوقی طرح کنند و با این فرضیه ها هنگامی که تعارض یا تراحمی میان قواعد این قانون ثابت پدید می آید، چاره ای بیابند. در این مرحله است که مسئولیت از صورت ابتدایی خود که وظیفه ای برای تادیه دیه به منظور پرهیز از خشم خدایان یا افراد اهانت شده است. به صورت مسئولیتی تحول می یابد که شخص در مقابل دیگران به علت آسیبی یا وعده ای دارد، که آن آسیب را یا کسان او با اشیای تحت اختیار او به دیگران رسانده و یا آن وعده را در حضور

^۱ همان ص ۹۹

^۲ لطفی اسدالله، سلسله مباحث فقهی حقوقی مسئولیت مدنی، ص ۳۰.

جمع به کسی داده است. بدین طریق مسئولیت دو مبنا می یابد؛ از یک سو مبناى مسئولیت، وظیفه ترمیم خسارت یا آسیب است و از سوی دیگر، وظیفه اجرای تعهد است.^۱

فرض حقوقی در مرحله انتقال قانون ثابت^۲ به مرحله انصاف یا حقوقی طبیعی^۳، نیرویی موثر به شمار می آید چون روابطی که حل و فصل آنها به عهده قانون است پیچیده و فراوان می شود، دیگر نمی توان برای هر موردی که به محکمه می آید قاعده ای صریح و دقیق و ساده فراهم آورد یا برای هر معامله حقوقی تعریفی کلی و منطقی یافت. از این رو جامعه به یاری حقوقدانان فیلسوف، به تکامل منطقی «طبیعت» یا به صورت مثالی وضع و حادثه و مفهوم اخلاقی «حسن نیت» یا «وجدان معقول» روی می آورد و می خواهد دریابد که اقتضای اخلاق و حسن نیت و وجدان معقول در یک معامله حقوقی چیست. قانون سخت گیر و تخلف ناپذیر که متکی به قواعد و صور حقوقی است از قصد و نیت با این تعبیر بیگانه است و بدان اعتنایی ندارد. کلمات در نظر این قانون جدا از فکری که در پی الفاظ آنها است خود دلالتی مستقل دارد ولی هنگامی که حقوقدانان به تدریج جامعه را با مفاهیمی بیش از معانی سنن و عادات آشنا می کنند و جامعه بر اثر رواج فلسفه رفته رفته از روشهای صرفاً لفظی چشم می پوشد و در صدد آن بر می آید که قضایا را با عقل بسنجد نه با اراده خودسرانه، افکار از صورت و شکل به مدلول و محتوی و از لفظ به معنی بیشتر متمایل می شود.^۴ قانون در این مرحله، بیان یا تعبیر قانونگذار از یکی از اصول حقوق طبیعی تلقی می شود. لفظ چنان که قانون تخلف ناپذیر و ثابت بر آن است دیگر چندان موثر نیست. قانون تخلف ناپذیر ایمان به قدرت کلمه را از گذشته به ارث برده بود و قاعده حقوقی را عبارتی ساحرانه می دانست که نیرویی مقاومت ناپذیر دارد. از این پس قاعده عقلی که بر کلمات و عبارات برتری دارد باید حاکم باشد. آنچه فلاسفه بدان پی بردند بیان عادی یکی از اصول حقوق طبیعی بود. صورت

^۱ ژوردن پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، ص ۱۶.

^۲ Stric law

^۳ Natural law

^۴ بادینی حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، ص ۴۲.



معامله دیگر عبارتی حقوقی بود بر قامت معنایی که قصد و حسن نیت در موردی مفروض خواستار آن بودند. هنگامی که صورت معامله صریح نیست یا از قصد طرفین تجاوز کرده است، متعهدله نباید فقط به استناد صورت معامله به زیان متعهد توانگر شود. از آن گذشته وظیفه در این مرحله ایجاب می کند که آنچه شرط حسن نیت است به جای آورنده آنچه عبارت و الفاظ تعهد دقیقاً می خواهد و اگر هم تعهدی نباشد ممکن است از نظر روابط افراد یا نحوه معامله و اوضاع و احوال قضیه رفتاری باشد که از شخص صدیق و متعهد می توان انتظار داشت. این طرز فکر دوره کلاسیک در حقوق روم بود که با تحولی که از نظر رعایت قواعد انصاف در حقوق کشورهای دیگر پدید آمده است شباهتی بسیار نزدیک دارد.^۱

آشنا کردن نحوه جدید تفکر با این دو نوع رفتار یعنی جرم و تعهد رسمی یا صوری چندان دشوار نیست. صورت کلی جرم مستلزم فریب یا قصد مجرمانه^۲ است که این قصد یا متوجه شخص است یا متوجه دارایی او. تقصیر^۳ مذکور در قانون اکیلیا^۴ تجاوز عمدی را هم شامل می شود^۵ و قانونی برای ترمیم خسارت فراهم آورد که در قانون روم به (خسارتی که با قصد مجرمانه وارد شده است) معروف است. این قانون شامل سه اصل بود. اصل نخست موردی را پیش بینی می کرد که کسی بدون علیتی قانونی بنده دیگری یا چهارپایی را از گله دیگری کشته بود و اصل دوم به شریک متعهدله در تعهد اجازه می داد که اگر شریک دیگر به جای مطالبه تعهد مزورانه ذمه مدیون را بری کند، خسارت خود را از شریک بخواهد و اصل سوم خسارت ناشی از جرح برده یا چهارپایان گله یا مرگ چهارپایان و تخریب اشیا بود.

^۱ همان. ص. ۴۹

^۲ Dolus

^۳ Cuoal

^۴ Aquilia

^۵ اکیلیا قاضی روم در قرن سوم پیش از میلاد بود. در این خصوص برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب مسئولیت ها در

نظام های قدیم. اثر رضا رضایی

^۶ Domnum injuria datung

در این مرحله است که حقوق با اخلاق متحد می شود و از این اتحاد صفت بارز این مرحله است. اگر جرمی پیش آید وظیفه اخلاقی مجرم ترمیم خسارت ناشی از این جرم است. قاعده حقوقی این است «به دیگری زیان مرسان». از آن گذشته وظیفه ایفای تعهدی ارادی و آزادانه مبتنی بر کیفیت ذاتی اخلاقی وعده است که آن را برای فردی صدیق و درست کردار الزامی می کند. بدین طریق مسئولیت از عملی ارادی ناشی می شود که این عمل می تواند به صورت تجاوز یا توافق باشد و به عبارت دیگر منشاء طبیعی مسئولیت یا جرم است یا قرارداد و امور دیگر به یکی از این دو نسبت داده می شود. مسئولیت بدون تقصیر شبه جرم است و مسئولیت ناشی از حسن نیت که منتهی به ملائت بلا سبب شود شبه عقد، مقتضیات حسن نیت در اعمال ارادی راهنما و مفهوم اصلی است.^۱

مفهوم مسئولیت مبتنی بر قصد در قرن نوزدهم بیشتر صورتی فلسفی و ماوراء طبیعه به خود می گیرد تا اخلاقی. حقوق در این قرن تجلی مفهوم آزادی است و هدف آن اجرای گسترده آزادی فرد است و آزادی هم عبارت است از اراده آزاد در ایفای عمل، و وظیفه نظم حقوقی در اینجا آن است که گسترده ترین اثر را به اراده اعلام شده اعطا کند. و هیچ وظیفه ای جز اجرای این اراده یا تلفیق و هماهنگ کردن اراده یکی با اراده دیگران از طریق قانونی کلی برای خود نشناسد. آنچه فرضیه ای مثبت و خلاق برای تکامل مسئولیت بر مبنای قصد بود فرضیه ای می شود منفی و محدود که هیچ مسئولیتی را جز آنچه ناشی از قصد است قبول ندارد. مسئولیت فقط می تواند از رفتاری مجرمانه یا از وظایفی که بر عهده گرفته اند ناشی شود، اراده مجرد فردی مبنای اصلی فرضیه مسئولیت می شود. اگر کسی واقعاً مقصر نباشد ولی اصول مسلم و غیر قابل انکار حقوقی او را مسئول بشناسد، او مسئول است و مسئولیت دلیل تقصیر به شمار می آید. اگر کسی واقعاً وظیفه ای به عهده نگرفته بود ولی باز اصول انکار ناپذیر حقوقی او را متعهد می شناخت، بدان علت بود که وی در وضع یا رابطه ای بود که نشانی از تعهد در آن فرض می کردند. یا به عبارت دیگر آن وضع و رابطه متضمن نوعی

^۱ جلیلی خلیل، حقوق مسئولیت مدنی، ص ۹۱.



تعهد بود. در اینجا نیز دخالت را موجب مسئولیت می دانستند، دخالت به این طریق یکی از امارات مسئولیت می شود. مبنای مسئولیت رفتار مجرمانه و اعمال حقوقی بود که سرانجام هر دو به اراده متکی می شدند. مفهوم عمل، یا تجلی اراده در جهان خارجی، مبنای مسئولیت در حقوق بود.^۱

حقوق انگلستان و حقوق روم با آنچه می توان آن را یک سلسله جرائم معنون و خطاهای معنون^۲ نامید تحول خود را آغاز می کنند. در حقوق روم اختلاس^۳، دزدی مقرون به زور^۴ و تهاجم عمدی نسبت به افراد^۵ متضمن قصد مجرمانه یا قصد تجاوز است و قانون اکیلیا چنانچه دیدیم خسارت عمدی به اشیاء را نیز پیش بینی می کند. کمی بعد از آن بدین قانون آنچه می توان آن را جرایم ناشی از انصاف دانست، افزودند، مانند جعل یا تزویر^۶ و اکراه^۷. در اینجا نیز باز قصد تجاوز وجود دارد و جرم تزویر مبنی بر قصد گمراه کردن طرف است. مفهومی وسیع تر از خطا، جدا از تجاوز عمدی در جرایم نسبت به اشیاء یا اموال بر اثر تکامل حقوقی پدید می آید و تقصیر مذکور در قانون اکیلیا شامل این نوع خسارت نیز می شود و همین قیاس مبنای حقوق جدید درباره مسئولیت است. فرضیه اراده شامل تمام این موارد می شود ولی مسئولیت زانی که طفل یا برده یا حیوانی اهلی به دیگری می رساند در فرضیه اراده محلی ندارد و همچنین در این فرضیه از مسئولیت مالک کشتی یا صاحب مهمان خانه یا مراقب اصطبل برای خسارتی که بدون تقصیر آنان از اشیای تحت حفاظت آنان به دیگران می رسد، نشانی نیست. مسئولیت ناشی از زانی که طفل یا برده یا حیوانی اهلی به دیگری می رساند، در دعوایی خسارت علیه مالک یا ولی آنها مستقیماً و به عنوان مباشرت قابل طرح

^۱ ژوردن پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، ص ۴۴.

^۲ Nominated Crimes

^۳ Furtum

^۴ Rapina

^۵ Injuria

^۶ Doius

^۷ Metus